

Investigating the Political role of Agents in the Government and its Impact on the Lifestyle of Muslims

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Azam Barzegar¹
Hamed Fathaliani^{2*}
Ali Hossein Ehtashami³

How to cite this article

Azam Barzegar, Hamed Fathaliani, Ali Hossein Ehtashami, Investigating the Political role of Agents in the Government and its Impact on the Lifestyle of Muslims, *Islamic Life Style*. 2023; 6(4):99-108

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Toisarkan Branch, Islamic Azad University, Toisarkan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: hmdftln@gmail.com

Article History

Received: 2022/08/27

Accepted: 2022/10/09

ABSTRACT

Purpose: This research was conducted with the purpose of getting to know the political role of agents in the government and its impact on the lifestyle of Muslims.

Materials and Methods: Since the lifestyle of political agents is a fundamental and real part of society's progress, this matter should be paid more attention than in the past. The correct and well-considered behavior of officials plays an essential role in strengthening the foundations of the government and its permanence, and this work is only possible by choosing worthy and worthy people and paying attention to their continuous political training, because position and power may gradually cause deviation or Change their nature.

Findings: Therefore, the selection and appointment of officials of various administrative and executive levels is one of the important and necessary issues and one of the serious duties of the Islamic government. Because the most important factor for the durability of a system and government is the wisdom and competence of the officials and agents of that system. The importance of government agents is such that every society should benefit from worthy and committed agents in order to be able to see prosperity and improve its affairs. Regarding the importance of the role of agents in the stability of a system, it is enough that the weakness of the agents of that political system has caused its legitimacy to deteriorate even in cases where it had initial legitimacy. Time to gain popular acceptance and legitimacy.

Conclusion: Therefore, the durability and consistency of governments depends on the role of government officials. Also, the spread of Islamic values in the society for Islamic civilization is possible by modifying the lifestyle of agents. The method of this research is descriptive-analytical with library technique.

Keywords: Brokers, Government, Nahj Al-Balagha, Quran, Lifestyle.

بررسی نقش سیاسی کارگزاران در حکومت و تاثیر آن بر سبک زندگی مسلمانان

اعظم برزگر^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

حامد فتحعلیانی^{۲*}

استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران (نویسنده مسئول).

علی حسین احتشامی^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف آشنایی با نقش سیاسی کارگزاران در حکومت و تاثیر آن بر سبک زندگی مسلمانان انجام شده است. **مواد و روش ها:** از آن جایی که سبک زندگی کارگزاران سیاسی بخش اساسی و حقیقی پیشرفت جامعه است باید به این امر بیش از گذشته توجه شود. رفتار درست و سنجیده کارگزاران در استحکام پایه های حکومت و ماندگاری آن نقشی اساسی دارد و این کار جز با انتخاب افرادی لایق و شایسته و توجه به تربیت سیاسی مستمر آنان امکان پذیر نیست، چرا که ممکن است مقام و قدرت به تدریج سبب انحراف و یا تغییر ماهیت آنان گردد.

یافته ها: بنابراین انتخاب و انتصاب مسئولین ردههای مختلف اداری و اجرایی، یکی از مسایل مهم و ضروری و از وظایف خطیر حکومت اسلامی است؛ چرا که مهمترین عامل دوام یک نظام و حکومت، فرزاندگی و شایستگی مسئولین و کارگزاران آن نظام میباشد. اهمیت کارگزاران حکومتی چنان است که هر جامعه ای برای آنکه بتواند روی سعادت ببیند و امور آن اصلاح شود، باید از کارگزاران لایق و متعهد بهره گیرد. در اهمیت نقش کارگزاران در ثبات یک نظام همین بس که ضعف کارگزاران آن نظام سیاسی حتی در مواردی که مشروعیت اولیه داشته است موجب زوال آن مشروعیت شده است، بر عکس، گاه یک نظام فاقد مشروعیت اولیه توانسته است به دلیل توانمندی کارگزاران و مدیران به مرور زمان مقبولیت و مشروعیت مردمی کسب کند.

نتیجه گیری: بنابراین، دوام و قوام حکومت ها قبل از هر چیز به نقش کارگزاران حکومتی بستگی دارد. و نیز گسترش ارزشهای اسلامی در جامعه برای تمدنسازی اسلامی با اصلاح سبک زندگی کارگزاران امکان می یابد. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی با فن کتابخانه ای است.

کلید واژه ها: کارگزاران، حکومت، نهج البلاغه، قرآن، سبک زندگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

*نویسنده مسئول: hmdftln@gmail.com

مقدمه

دین اسلام یک دین کامل و همه جانبه است که برای همه امور زندگی انسان، برنامه ها و دستورالعمل های جامعی دارد. یکی از ابعاد زندگی انسان، بعد اجتماعی اوست که سیاست و حکومت زیرمجموعه این بعد قرار می گیرد؛ آن گونه که دین، سیاست و اخلاق، این سه مقوله از هم جدا نبوده و رهبران و مسئولین جامعه باید در سیاست خود به آموزه های دین اسلام و اصول اخلاقی پایبند باشند. بسیاری از چالش های جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته مربوط به عرصه سیاست بوده، که در میان آنها چالش های مرتبط با عملکرد و رفتار سیاسی کارگزاران از اهمیت بیشتری برخوردار است. شیوع نزاع های بی حاصل سیاسی بین کارگزاران، بروز رفتارهای سیاسی نامناسب و... از جمله این رفتارهاست که ریشه در تربیت سیاسی غیر الهی دارد و از ضعف های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری نشأت می گیرد و راه برون رفت از آنها، تحقق و ارتقای تربیت سیاسی الهی بر اساس مؤلفه هایی که قرآن و نهج البلاغه بیان می کنند امری ضروری است.

مطالعات انسانی و پژوهش های جامعه شناسانه، این موضوع را به اثبات رسانده است که یکی از عوامل ترقی و تعالی ملت ها در زمینه های گوناگون وجود رهبران آگاه و کارگزاران باتدبیر و باکفایت بوده است؛ که توانسته اند با در نظر گرفتن شرایط از امکانات موجود به بهترین وجه استفاده کرده و پیروزی و موفقیت را برای مردمان خود به ارمغان بیاورند؛ و در مقابل کم نبوده اند جوامعی که با بهترین و بیشترین امکانات فقط و فقط به دلیل بی لیاقتی سردمداران خود به نقطه فلاکت رسیده و فزونی وابستگی شان ارمغان حکومت برای آنها بوده است.

مقام معظم رهبری در سخنرانی خود بین دانشجویان در سال ۱۳۶۸ فرمودند: «رشد سیاسی مردم و مسئولان، موجب ناامیدی دشمنان است. مجلس، دستگاهی است که حرکت و موضع گیری و سخن او در سطح جهان و سیاست های بین المللی، نشان دهنده حرکت کلی نظام است و شما امروز تأثیری را که مجلس و رئیس جمهور در ترسیم و تبیین سیاست های نظام جمهوری اسلامی در سطح جهانی دارند را می بینید.»

پایداری حکومت های مردمی مرهون فرآیندی به نام تربیت سیاسی است که زمینه انتقال ارزشهای حاکمیتی را از نسلی به نسل دیگر فراهم می کند و مهمترین فرآیند پیش روی هر حکومت مردمی به شمار می رود و در طول زندگی انسان مطرح و عملی مستمر و انقطاع ناپذیر است. اگر علوم سیاسی، اقتصادی، فلسفه یا مدیریت و بقیه علوم انسانی مبتنی بر نگرش مادی به دنیا باشد و با ارزش های مادی بنا شده باشد، طبعاً نمی تواند خواسته ها و آرمان های جامعه ای را که مسلمان و مؤمن به معارف اسلامی هستند برآورده کند.

این نظام جز با رعایت تقوا و طهارت و پاکی و محاسبه نفس دقیق و صحیح هر مسئولی پیش نخواهد رفت. اشتباه است اگر کسی خیال کند همان کارهایی را که دیگر حکومت ها و دیگر کارگزاران دولتها در دنیا می کنند، ما هم همانها را انجام دهیم. ما اصولی داریم، روش های مخصوص به خود را داریم که نشأت گرفته از قرآن، نهج البلاغه و رفتار و گفتار معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) است. این مؤلفه ها و اصول سیاست باید بر دنیا حاکم شود نه اصول غلط

بفرستد و به نیروی شما نیروی دیگری بیفزاید. بنابراین از راه حق روی برنتابید و در جاده گناه قدم نگذارید. این آیه می تواند درسی برای حکومت داران باشد که اقتصاد جامعه را به وابستگی و چشم امید داشتن به بیگانگان گره نزنند. در چند سال اخیر، عدم رفتار سیاسی کارگزاران مشکلات عدیده‌ای را برای ملت به وجود آورد. باید دانست که داشتن سابقه برای به دست گرفتن پست مملکتی کافی نیست. دولت باید به رفتار سیاسی حکومت داران توجه داشته باشد و قبل از اینکه افرادی سرنوشت مردم جامعه را به دست گیرند، آنها را آگاه و تربیت کند. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره سیاست و اداره حکومت جامعه اسلامی به صاحبان مناسب هشدار می دهند که مشرکان و صاحبان عقاید آسمانی غیراسلامی نباید به آنها نزدیک گردند چرا که امکان توطئه هست و مگر نه این که یکی از اشکال کودتا و روش های سقوط حکومت های اصیل چنین است که افرادی از بیگانه، مستقیم یا غیر مستقیم به حکومت داران نفوذ پیدا کرده و موجب سقوط آنها و حکومت می گردند. حضرت در نامه ۶۹ (به حارث همدانی) او را مورد تأدیب و تربیت قرار داده و موارد ذیل را به عنوان خصائص کارگزاران حکومتی برمی شمارند و می فرمایند: «به ریسمان خدا چنگ زن و از آن نصیحت پذیر، حلالش را حلال و حرامش را حرام بدان. از حوادث گذشته برای آینده عبرت گیر، که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش می پیوندد. جز به حق سخنی بر زبان نیاور و از هر کار پنهانی که از آشکار شدنش شرم داری پرهیز کن، از هر کاری که از کهنه آن پرشش کنند نپذیرد یا عذرخواهی کند دوری کن. خشم را فرو نشان و به هنگام قدرت ببخش ...»

حضرات معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) که قرآن ناطق هستند، هر کدام در زمان حیات طیبه خویش به قدری هوشمندانه عمل کردند که دستگاه جبار حاکم عصر نتوانستند کوچک ترین بهره کشی سیاسی از ایشان داشته باشند. خطبه فدکیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) که در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ سیاسی زندگی کوتاه اما پربرکت خود ایراد داشتند در آن به بیش از ۲۰ آیه استناد کردند؛ به این معنا که حضرتش برای بالا بردن فهم سیاسی مردم و البته رفتار سیاسی برای کارگزاران حکومت از آیات نورانی قرآن استفاده نمودند و رفتار و گفتار ایشان می تواند بستر مناسبی برای جریان رودخانه‌ای باشد که تشنگان درک سیاست و حق دوستی را سیراب نماید. مسلماً در طول تاریخ عدم تلمذ در کلاس درس قرآن و فرمایشات معصومین به ویژه ساحت مقدس امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسط مردم و حکومت داران، آنها را در تنگناهای تصمیم گیری و بعضاً ورطه هلاکت قرار داده است؛ کما اینکه اگر در ابتدا چراغ پرفروغ قرآن و نهج البلاغه را در کوران های تاریک فراروی خود قرار می دادند، اوضاع به گونه‌ای دیگر و البته بهتر بود. به جنبه های مختلفی به عنوان ضرورت انجام این تحقیق می توان اشاره نمود. وهله اول به مسئله اهمیت تربیت و به نبع آن رفتار سیاسی برمی گردد. زیرا از دیرباز تربیت و تعالی برای تمامی جوامع بشری از مسائل مهم به شمار می رفته است و با توجه به نقش عظیم و برجسته رهبران و کارگزاران حکومتی در سعادت و یا شقاوت ملت ها ضرورت بحث پیرامون این موضوع ملموس تر می گردد.

دنیای جاهلی و استکباری خودش را بر ما تحمیل کند. مهمترین مؤلفه های رفتار سیاسی کارگزاران حکومتی بر مبنای نهج البلاغه عبارت است: رساندن انسان به آزاد اندیشی، ایجاد امنیت و صلح برای مردم، عدالتخواهی، صداقت، شایسته سالاری، حق مداری، وفای به عهد، مدارا با مردم و رعیت، ظلم ستیزی و استکبار ستیزی، وحدت با دیگر کارگزاران، گفتگو با عالمان و مشورت خواستن از آنها، نظارت، امانت داری و... است. در این تحقیق همت بر این است که به سیاست داخلی کارگزاران و سیاست خارجی آنها پرداخته گردد. در عرصه سیاست داخلی به تشریح و تفصیل مؤلفه های همچون دوری از اسراف و تبذیر، پرهیز از دادن وعده های خام و غیر عملی به مردم، راستگویی، امانتداری و... و در می بحث سیاست خارجی به تأمین امنیت ملی، حفظ عزت و آزادی مردم، دشمن شناسی، شیوه های تعامل درست با دیگر حکومت ها، حفظ ارزش های انقلاب، ولایت پذیری، فریب نخوردن پرداخته شود.

همچنین کارگزاران حکومتی اصل جهاد با طاغوت و دعوت به توحید را باید مورد توجه قرار دهند؛ و مبنای روابط خود با دیگر جوامع را بر اساس صلح و دوستی، توکلی و تبری قرار دهند و از برقراری هرگونه رابطه ای که منجر به تسلط بیگانگان بر جامعه اسلامی شود اجتناب نمایند. پروردگار متعال همواره در طول تاریخ بشر با ارسال رسل خود که منتخب از میان بهترین بندگانش بوده است، انسان را در مسیر رشد و بالندگی و سعادت قرار داده و پیامبران همواره سعی در تربیت انسان ها در همه ابعاد وجودی داشته اند. آنجا که گروهی از بنی اسرائیل از پیامبر زمان خود جهت غلبه بر سپاه دشمن درخواست کردند تا خداوند برای آنها ملک و فرماندهی قرار دهد، خداوند برای آنها طالوت را برگزید که مردی نیرومند، شجاع و دانا بود؛ اما به لحاظ مادی ثروتمند نبود. در ماجرای حضرت یوسف علیه السلام هنگامی که پادشاه خواست به ایشان پست مملکتی پیشنهاد بدهد، علت انتخاب یوسف را امین و درستکار بودنش برشمرد و حضرت یوسف علیه السلام هم با ذکاوت و اشرافی که به وضعیت موجود داشتند، خزانه داری کل کشور را برای خود پیشنهاد کردند و خویش را امین و دانا که تخصص کافی در این مقام دارند معرفی نمودند. از دیگر مؤلفه های رفتار سیاسی برای کارگزاران حکومتی که قرآن مورد توجه قرار داده است؛ ظلم ستیزی تعداد کمی از سران حکومتی در زمان پادشاهی دمنشانه دقیانوس است. پیشنهادات و متاع دنیوی توانست بر چشم حقیقت بین آن جوانمردان پرده افکند. از دیگر آیات قرآن در رابطه با این زمینه تحقیق، ذکر داستان ذی القرنین است که با استفاده درست از ابزار و امکاناتی که در اختیار داشت، توانست جوامع مختلف با ویژگی ها و مشکلات گوناگون را مدیریت کند و وضع نامطلوب آنها را سامان بخشد. همچنین در سوره مبارکه آل عمران خداوند به عطفوت، مشورت و توکل مدیران و رهبران اشاره کرده است. در قرآن، توسعه اقتصادی با خداگرایی قرین هم گشته آنجا که می فرماید: «و یا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (سوره هود - آیه ۵۲)؛ ای قوم من! از خدا به خاطر گناهانتان طلب بخشش کنید، سپس توبه نموده و به سوی او بازگردید تا از آسمان بارانی پیاپی

بخش اخلاقی حاکمیتی و اخلاقی شخصیتی مورد بحث قرار داد. ویژگی منحصر به فرد مکتب حقوقی - سیاسی اسلام آن است که با توجه به اهداف استکمالی انسان و از جمله حاکم به آسیب‌های مذکور توجه نموده است. بر همین اساس، راهکارهای ارائه شده در این مکتب بیش از آنکه بیرونی و متکی به ساز و کارهای نظارتی بیرونی و از بالا به پایین باشد، بر ساز و کارهای درونی و تکیه بر تقوا و درک این معنا که عالم محضر خداوند است بنا شده است.

تعریف رفتار: تعریف رفتار در رشته‌های مختلف علوم، متفاوت است. مثلاً تعریف رفتار در روانشناسی عبارت است از: مشاهده و مطالعه و ثبت پاسخ‌های یک ارگانیسم در شرایط مشخص به یک محرک بیرونی.

رفتار سیاسی در سازمان شامل اعمال آگاهانه‌ای است که برای نفوذ بر افراد یا گروه‌ها به منظور دستیابی یا حفاظت از منافع خود به هنگام وجود راه‌حل‌های متضاد صورت می‌گیرد.

تعریف سیاست: سیاست واژه‌ای عربی و از ریشه (ساس-یسوس) گرفته شده است. در لغت به معنای حکومت، ریاست، امر و نهی، سزا و تنبیه، پرورش و پروراندن و پرداختن به امور مردم بر طبق مصالحشان آمده است. (۱).

همچنین به معنای پاس داشتن مُلک، نگهداری، حراست، حکم راندن بر رعیت، ریاست و داوری آمده است. در متون جدید و قدیم ادبیات فارسی بیشتر در دو معنای "مجازات و عقوبت کردن" و "اداره امور کشور" به کار رفته است.

تعریف کارگزار: کارگزار عبارت است از شخصی که عمل می‌کند یا قدرت به کار می‌بندد تا چیزی را انجام دهد یا اثری ایجاد کند. همچنین به معنای کسی که از طرف دیگری کار را اداره می‌کند و به معنای "مأمور دولت یا حکومت" آمده است. چون کارگزار همراه با به کارگیری قدرت و اعمال نفوذ در مدیریت جامعه است، بنابراین بر مسائل سیاسی و اجتماعی و رشد و انحطاط جامعه تأثیر بسزایی دارد. گفتنی است در این نوشتار، کارگزار هم بر اشخاص صاحب مسئولیت و هم بر نهادهای نظام اسلامی دلالت دارد.

تعریف حکومت: حکومت در لغت به معنای فرمان دادن و فرمانروایی کردن بر یک شهر یا یک کشور و اداره کردن شئون اجتماعی و سیاسی مردم آمده است. (۲)

حکومتی: منصوب و متعلق به حکومت، حکومت در اصطلاح جدید بر معانی مختلفی اطلاق می‌شود. گاهی واژه حکومت بر تمامی سازمانهای حاکم بر یک کشور اطلاق می‌شود که در این صورت شامل تمامی قوای مقننه، مجریه و قضائیه می‌شود. گاهی مقصود از واژه حکومت، روش به کارگیری قدرت و اعمال حاکمیت می‌باشد که در این صورت مقصود از حکومت، سیستم حکومتی جامعه است. (۳)

نقش سیاسی کارگزاران در حکومت

هر حکومتی دارای سه محور اساسی است که عبارتند از: ۱. رهبر مردم ۲. مردم ۳. دولتمردان

که هر یک از سه محور جایگاه ویژه‌ای در اداره حکومت دارد. در رابطه با مردم جامعه آن روز امیرالمومنین علیه‌السلام باید گفت مردم در آغاز همکاری و تبعیت خوبی از امیرالمومنین نمودند تا جایی که مورد تحسین و تمجید آن حضرت قرار گرفتند اما کم‌کم

همچنین مسئله تداوم انقلاب، یکی مهمترین و حساس‌ترین مسائلی است که در رابطه با سرنوشت ایران و اسلام و بلکه سرنوشت مستضعفین جهان و حکومت جهانی مستضعفین و امامت آنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مطرح است. از طرفی با توجه به اینکه در دهه‌های گذشته، عده‌ای همواره در صدد بودند که رهنمودهای اسلام را در شیوه سیاست و حکومت‌داری انکار کنند و چنین وانمود نمایند که اسلام دین جمعی نیست و برای حکومت داری برنامه ندارد و آنچه که در اسلام مطرح هست فقط راجع به زندگی فردی و احکام عبادی است و سعی می‌کنند اسلام را از صحنه سیاست و حکومت کنار بگذارند. همچنین در طول سالیان متمادی پیوسته حکومت‌داری راه استکمال خود را طی کرده و با ورود به دوران مدرنیسم و عصر جدید و جولان فضای مجازی در زندگی بشر، این تحولات رو به تزايد داشته و جامعه ما هم از این امر مستثنی نبوده است و احتیاج به رویکرد جدید به قرآن و نهج البلاغه بر اساس نیازهای جامعه انسان معاصر است. البته این بدان معنا نیست که تاکنون هیچ تلاشی در این خصوص صورت نگرفته بلکه به معنای نیاز بیشتر به این گونه تحقیقات است.

درباره سیستم حکومت اسلامی، ویژگی‌ها و برنامه‌های آن، وظایف حاکم، سیره حکومتی رهبران و رفتار سیاسی کارگزاران، از طرف نویسندگان و متفکران اسلامی، کتب جامع و کافی تألیف نگردیده است و اساساً درباره این مسأله حیاتی کمتر بحث شده است و در نتیجه برای جویندگان همچنان یک خلأ فکری باقی مانده است. برخی از کتب و مقالاتی که در پیرامون این موضوع یافت شد عبارتند از:

۱- "مبانی اندیشه سیاسی اسلام" از استاد گرانقدر آقای عباسعلی عمید زنجانی (۱۶) که در این کتاب پیرامون مباحث سیاسی و اندیشه‌های سیاسی اسلام، دیدگاه‌های فلسفی اسلامی و تجربی می‌پردازد و به رابطه میان دین و دولت، مقایسه اندیشه‌های سیاسی غرب و اسلام، اندیشه سیاسی در متون اسلامی (که شامل قرآن و موضع‌گیری‌های سیاسی ائمه‌علیهم‌السلام) می‌باشد، نقش بنیادی قدرت سیاسی و عوامل شکل‌گیری آن و در پایان به مسئله حقوق بشر در اندیشه سیاسی اسلام می‌پردازد.

۲- مبانی و مؤلفه‌های رفتار سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره) که مقاله پژوهشی توسط احمد سلحشوری - محمدجواد یداللهی فر - معصومه خنکدار طارسی (۱۵) که اینگونه بیان کرده‌اند: یکی از ابعاد تربیت، رفتار سیاسی است که نظام‌های سیاسی از طریق آن می‌توانند ارزشهای خاص خود را در افراد نهادینه کنند. با ظهور دوره رنسانس، در مفهوم رفتار سیاسی تغییر و دگرگونی رخ داد که باعث چرخش سیاست از اخلاق به سمت قدرت شد و این چرخش پایه و اساس رفتار سیاسی غرب را شکل داد امام در دیدگاه اسلام، سیاست در خدمت اخلاق و تربیت است. مبانی رفتار سیاسی از منظر امام خمینی (ره) را می‌توان توحیدمحوری، فطرت‌محوری، تزکیه‌محوری، اخلاق‌مداری، آگاهی، خودشناسی، آزادی، استقلال و عدالت نام برد.

۳- "آسیب‌شناسی رفتار کارگزاران حکومتی از منظر اسلام"، مسعود راعی - محمدفلاح سلوکلائی (۱۴) که نویسنده آسیب‌های رفتاری متعددی را برشمرده است. این آسیب‌ها را می‌توان در دو

نقش سیاسی مالک اشتر :

پس از قتل عثمان مسلمانان همه با صدای بلند شعار می دادند و از امام علی علیه السلام می خواستند که زمام حکومت را به دست گیرد اما او حاضر به پذیرش آن نبود و می فرمود: «ما به استقبال چیزی می رویم که چهره های مختلف و جهات گوناگونی دارد. دل ها بر این امر استوار و عقل ها ثابت نمی ماند.»

فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجْوهٌ وَلَهُ أَكْوَانٌ لَا تَقْوُمُ لَهُ الْقُلُوبُ. (۶)

ولی مردم دست بردار نبودند، نخستین کسی که پیش آمد و اصرار داشت دست امام را به بیعت بفشارد و امام امتناع می کرد اشتر بود. اشتر با ناراحتی عرض کرد: «آیا بعد از سه نفر هنوز هم حاضر نیستی زمام حکومت را به عهده بگیری؟ (اگر این بار از دست برود کار اسلام به کجا خواهد انجامید؟» و بالاخره اهل کوفه گویند: نخستین فردی که به بیعت کرد اشتر بود، پس از او طلحه و زبیر و عده ای دیگر. سپس قرار بر این شد که مردم فردا در مسجد با او بیعت کنند. (۷)

شیخ مفید از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «اشتر کسی است که به هنگام ظهور حضرت ولی عصر عجل الله زنده می شود و در رکاب آن حضرتش جنگ خواهد کرد.»

(۲) قیس بن سعد بن عباده :

قیس بن سعد بن عباده بن دیلم از انصار و مردم مدینه است و پدرش رئیس قبیله خزرج بود که در زمان پیغمبر غالباً پرچم انصار را پیامبر (ص) به قیس می سپرد. قیس فردی شجاع، دارای رأی صائب و تدبیر، سخاوتمند و زیرک بود. (۸)، (۹)، (۱۰).

نقش سیاسی قیس بن سعد :

وقتی امیرالمومنین علیه السلام به خلافت رسید، قیس بن سعد را به کارگزاری استان حساس مصر منصوب کرد و فرمانش را نوشت و به وی داد. سپس فرمود: «جمعی از سپاهیان را نیز با خود ببر تا بر شوکت و عظمتت بیفزاید.» قیس عرض کرد: «ممکن است شما به سپاهیان نیاز پیدا کنید، آنها را برای شما می گذارم و من با چند نفر از بستگانم به مصر می روم.» قیس با هفت نفر از نزدیکانش عازم مصر شد. (۵)، (۹)، (۱۱).

قیس بعد از ورود به مصر در جمع مردم حاضر شد و دستور داد نامه ای که امیرالمومنین علیه السلام برای مردم مصر نوشته را بخوانند. در قسمتی از نامه امام آمده است: «من قیس بن سعد انصاری را به امیری شما فرستادم، به او کمک کنید و در اجرای حق از او حمایت کنید. به او دستور داده ام که به نیکان شما خوبی نموده و به افراد مشکوک سخت بگیرد و با افراد خاص و عام شما مدارا نماید. او از جمله افرادی است که روشش مورد رضایت من است و امید به اصلاح و خیرخواهی او دارم.» (۱۲)، (۵).

بعد از قرائت نامه امیرالمومنین علیه السلام قیس به پا خاست و ضمن سخنانش برای مردم گفت: «حمد و سپاس خدای را که حق را آورد و باطل را از بین برد و ظالمان را سرنگون کرد. ای مردم! ما با بهترین فرد بعد از پیامبران بیعت کردیم، برخیزید و بر اساس کتاب خدا و سیره و سنت پیامبرش بیعت کنید. بنابراین اگر ما به کتاب خدا و سنت پیامبر عمل نکردیم، بیعتی بر عهده شما نیست.» (همان)

کوتاهی به خرج داده و دستورات حضرت را نشنیده گرفتند و آن وجود مبارک را عملاً تنها گذاشتند، تا آنجا که امام علیه السلام از زندگی کردن در میان آنان خسته شده و از خداوند مرگ خود را طلب نمود.

اما در رابطه با کارگزاران در حکومت علی علیه السلام، با تمام اهمیتی که داشته است تا آنجا که می دانیم تحقیق صورت نگرفته و کتاب مستقلی نوشته نشده است.

نکته ای که حائز اهمیت است این که اگر مردم به روش و سیره حکومتی عادت کرده باشند، مشکل بتوان با شیوه جدید بر آنان حکومت کرد هر چند که دومین روش عادلانه تر و بر محور حق باشد. یکی دیگر از مواردی که در حکومت امام علی علیه السلام به چشم می خورد که حضرت به آن مبادرت ورزید و می تواند به عنوان الگویی برای روسای جمهور کشور اسلامی باشد، عزل کارگزاران عثمان است و برای بهتر شدن ابعاد قضیه به نمونه های اشاره می شود.

عثمان سعی در واگذاری پست ها به اقوام و خویشاوندان خود را داشت و بسیاری از کسانی که برای سرپرستی مناطق اسلامی می فرستاد، آشنایی چندانی با شرع و مکتب نداشته و گاه دسته گلهایی به آب داده و سبب آبروریزی برای خلیفه می شدند. همین ها بودند که مردم را از حکومت وی بیزار کرده بود و سرانجام نیز عثمان را به قتل رساندند.

قرآن کریم، کتابی که از سوی پروردگار عالم و خالق و پرورش دهنده تمام موجودات از جمله انسان نازل گردیده بیان کننده نیازهای زندگی بشری برای رشد و تعالی و تکامل اوست، چنان که در آیات گوهربار آن کتاب فرمود: تبیان لکل شیء.

از طرفی آیات این سلسله هدایت بر مدیر جامعه اسلامی، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نازل گردیده که خود اقدام به تشکیل حکومت و اداره آن به مدت ۱۰ سال نموده و در تمام لحظات و مشکلات، عنایات و راهنمایی های وحیانی راهگشای وی بوده است. رویکرد رجوع به آیات برای شناخت تاریخ و سرنوشت رهبران بشری و شرایط و شؤون رهبری می تواند راهگشا و سازنده باشد زیرا این نگاه در چارچوب های تعریف شده علم مدیریت صورت نمی گیرد بلکه هر آنچه در قرآن برای اداره جامعه مطرح گردیده مورد توجه قرار می گیرد.

الف. نقش سیاسی کارگزاران در حکومت امیرالمومنین علیه السلام (۱) مالک اشتر :

مالک بن حارث بن یغوث نخعی معروف به اشتر در سرزمین یمن در قریه ای به نام بیشه چشم به جهان گشود. او از قبیله مذحج بود. در زمان عثمان، مالک اشتر و یارانش آنقدر به افشاگری علیه عثمان و والیانش ادامه دادند که مردم شهرهای مختلف آگاه شده، کار را بر عثمان تنگ نمودند تا به قتل رسید. (۴)

مالک اشتر در دوره خلافت امیرالمومنین به عنوان یکی از یاران خاص آن حضرت در زمینه های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی نقش بسزایی ایفا نمود.

امام علی علیه السلام در وصف او به سایر یارانش فرمودند: «کاش! در میان شما دو نفر مثل او بود؛ بلکه کاش یک نفر بود که نظرش در مورد دشمنانم همچون نظر او بود.» (۵)

با ملاحظه سخنان قیس به این نتیجه می‌رسیم که او امارت را برای خدمت به مردم قبول کرده بود نه به خاطر قدرت و ریاست‌طلبی و این عین سیاست صحیح حکومت داری است.

در ایام امارت قیس، شخصی به نام محمد بن مسلمه بن مخلد در قریه خربتاً قیام کرد و مردم را به خونخواهی عثمان دعوت کرد. قیس پیامی به این مضمون به او فرستاد: «وای بر تو، علیه من قیام کرده‌ای؟ به خدا قسم من مایل نیستم تو را بکشم و در برابر آن حکومت شام و مصر از آن من باشد. تو خونت را حفظ کن و بیهوده خودت را به کشتن مده.» محمد بن مسلم در پاسخ قیس نوشت: «تا وقتی که تو والی مصر باشی، من کاری به تو نخواهم داشت.» این مطلب نیز بیانگر این است که قیس از سیاست خوبی در خاموش ساختن شورش‌ها و قیام‌ها برخوردار بود، چرا که او فردی زیرک و صاحب‌رأی و اندیشه بود. معاویه بارها به انحای گوناگون خواست تا با حیلۀ قیس را از امیرالمومنین جدا سازد. گاهی اوقات با نوشتن نامه و بکار بردن لحن تهدید و گاهی استفاده از لحن تطمیع و گاهی هم به صراحت دنبال این هدف بود اما هر بار در نیرنگش ناامید می‌گشت. چون قیس دل و قلبی ملامال از ایمان و اخلاص داشت و تقوا و اخلاص او نسبت به امیرالمومنین علی علیه السلام مانع جدایی او از آن حضرت گردید و بالاخره قیس که از سیاست خوبی برخوردار بود نقش بسیار مثبتی در خلافت امیرالمومنین ایفا کرد.

۳) محمد بن ابی بکر در خلافت امیرالمومنین علیه السلام:

اسما بنت عمیس مادر محمد بن ابی بکر در ابتدا همسر جعفر طیار برادر امیرالمومنین علیه السلام بود که بعد از آنکه جعفر در جنگ موته شهید شد، به عقد ابوبکر ابی جحافه درآمد و از او محمد متولد شد و بعد از درگذشت ابی بکر، امیرالمومنین او را به عقد خود درآورد و محمد در دامان حضرت بزرگ شده و تربیت یافت و جز او پدری برای خود نمی‌شناخت و برای هیچکس جز او فضیلتی معتقد نبود و در خانه آن حضرت با سایر فرزندان فرقی نداشت زیرا به تمام معنی از محبت آن بزرگوار برخوردار بود تا جایی که آن حضرت می‌فرمود: «محمد فرزند من است از صلب ابی بکر» (۵) نقش سیاسی محمد بن ابی بکر:

در حالات قیس بن سعد بن عبادۀ گذشت که علی علیه السلام او را از حکومت مصر عزل نمود و محمد بن ابی بکر را به حکومت مصر گماشت. وی یکی از یاران مخلص و معتمد حضرت علی علیه السلام بود. امیرالمومنین طی حکمی استانداری مصر را به وی واگذار و او را روانه آن دیار کرد. وقتی که محمد بن ابی بکر به مصر رسید در جمع مردم حاضر شد و دستور داد فرمان امیرالمومنین علیه السلام را بخوانند. در این نامه، حضرت او را به تقوا و رفتار صحیح با مردم، قضاوت به حق، جمع‌آوری خراج و... سفارش نمود. پس از قرائت نامه امیرالمومنین، محمد بن ابی بکر برای مردم سخنرانی کرد و در ضمن سخنانش چنین گفت: «اگر دیدید اعمال و رفتار من برای طاعت و تقوای الهی است خداوند را بر آن شکر کنید زیرا که او هدایتگر به آن بوده است. و اگر عمل غیر حق را دیدید به من بازگردانید و مرا عتاب و سرزنش ننمایید زیرا که من به عتاب سزاوارترم و شما نیز به انتقاد کردن سزاوارید. خداوند با رحمتش ما و شما را به انجام عمل صالح موفق کند.» از سخنان محمد

بن ابی بکر در آغاز حکومتش بر مصر به دست می‌آید که او چگونه سیاستی را دنبال می‌کرده است. یعنی می‌توان گفت که او تلاش می‌کرده که به مردم مسلمان خدمت نماید و کارهای خوب انجام شده را به خود منصوب نسازد. این نوع سیاست و رفتار، الگوی مناسبی برای همه کارگزاران مسلمان است. محمد کارگزاری جوان و با جوش و خروش بود و ارادت خاصی به مولایش امیرالمومنین علیه السلام داشت. او با دشمنان امیرالمومنین در مصر مباحثات نکرد و آنها را بین بیعت با امام یا خروج از مصر مخیر ساخت. اما آنها از محمد مهلت خواستند و جرأت جسارت نداشتند تا اینکه جنگ صفین به آخر رسید و قضیه حکمیت پیش آمد که جو عراق متشنج شد و در میان مردم اختلاف بروز کرد. اینجا بود که طرفداران عثمان در مصر جرأت ابراز مخالفت را پیدا کردند و با حمایتی که از جانب معاویه می‌شدند، منطقه مصر دچار اضطراب و تشنج گردید. محمد بن ابی بکر گرچه مدیری فعال و پرتلاش بود و ذره‌ای در انجام وظیفه کوتاهی به خرج نمی‌داد، اما توان اداری مصر در حالت‌های بحرانی را نداشت. امام علیه السلام او را در حالت عادی و به دور از تشنج حاکم آنجا نمود. بعلاوه امیرالمومنین علیه السلام غیر از محمد کسی را نداشت که صلاحیت حکومت بر مصر را داشته باشد چرا که امام بعد از شهادت محمد فرمود: «خدا رحمت کند محمد را. جوانی نارس بود. به خدا سوگند که می‌خواستیم مرقال هاشم بن عتبۀ بن ابی وقاص را والی مصر کنیم. به خدا اگر او والی مصر بود میدان را برای عمروعاص و یارانش باز نمی‌گذاشت و کشته نمی‌شد جز اینکه شمشیرش در دستش بود و نکوهش نمی‌کنم محمد را زیرا وی کوشش خود را کرد و به سرانجام خود رسید.»

ب. نکات کاربردی و قابل توجه از رفتار سیاسی کارگزاران با توجه به آیات قرآن

۱) آگاهی از گذشته: خداوند به حضرت عیسی (ع) کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموخت (آل عمران/۴۸) مدیران باید از قوانین گذشته آگاه باشند و بدانند در گذشته چه اتفاقاتی در سازمان رخ داده و چه مقرراتی وضع گردیده است. (چنان که خداوند به حضرت عیسی (ع) تورات را که قوانین گذشته بود آموخت).

۲) پیمان و پشتیبانی از مدیران: خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه کتاب و حکمت به شما دادم و سپس پیامبری آمد که آنها را تصدیق می‌کرد به او ایمان آورید و او را یاری کنید (آل عمران/۸۱)

در مدیریت اسلامی لازمه سپردن مسئولیت‌ها گرفتن پیمان است که بر طبق موازین و اصول، انجام تکلیف شود. مدیران قدیمی باید از مدیران جدید پشتیبانی کنند و مدیران جدید هم باید از مدیران قدیمی تجلیل کنند.

۳) ارزیابی عملکرد نظریه سیستمی: من تلاش هیچ صاحب عملی را تباه نمی‌کنم، زن باشد یا مرد، همه از یکدیگرید (آل عمران/۱۹۵) در سازمانها باید روشی جهت شناسایی کسانی که وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهند وجود داشته باشد تا ضمن تشویق آنها انگیزش سازمانی را تقویت نمود. تلاش و تلاشگر هر دو مهم هستند، کارها هم باید حسن فعلی (شکل درست) داشته باشند و هم حسن فاعلی (نیت

تشریح وضعیت بحران، از جمله وظایف مهم مدیریت بحران است و ارائه راه حل (طرح و برنامه) برای خروج از وضعیت بحرانی نیز از وظایف ایشان است. برنامه ریزی در تولید و صرفه جویی در مصرف برای ایجاد پشتوانه، یک ضرورت برای کشورهای در حال توسعه است. در برنامه ریزی مصرف، سهم نسل آینده حفظ و مراعات شود. طرح ها باید به نحوی قابلیت عملی شدن داشته باشد. (بهترین راه ذخیره سازی گندم بدون سیلو و انبار، واگذار کردن گندم در خوشه اش بود تا دچار فساد زودرس نشود.

(۱۱) مشاوره تخصصی (اتاق فکر): هنگامی که پادشاه مصر خوابی عجیب دید، خواست که یوسف را نزد وی آورند تا در مورد خواب سال کند. (یوسف/۵۰)

در شرایط بحرانی سازمان، برای حل معضلات و مسائل از مشاوران و نخبگان باید بهره برد. یکی از راهکارهای عملی آن راه اندازی اتاق های فکر در هر سازمان است.

(۱۲) دفع تهدیدها: قرآن کتابی استوار است تا عذاب شدید را هشدار دهد و به مؤمنان بشارت دهد. (کهف/۲)

دفع ضرر، مهمتر از جلب منفعت است. سازمان ها باید در اولویت بندی بین دفع ضرر احتمالی و منافی که ناشی از انجام تصمیم و اقدامی در سازمان است، ابتدا به دفع ضرر بپردازند. (پیشی گرفتن هشدار عذاب بر بشارت، تبیین کننده این معنا است.)

(۱۳) دوری از وعده دادن: درباره هیچ چیز و هیچ کار نگو که من حتماً آن را فردا انجام می دهم. (کهف/۲۳)

مدیران و رهبران سازمان باید به این نکته توجه کنند که فراهم کردن امکانات و مقدمات انجام برنامه ها، تضمین کننده قطعیت اقدامات نیست، چون عوامل و متغیرهای دیگری وجود دارند که به راحتی می توانند شرایط را به گونه ای دیگر رقم بزنند.

(۱۴) دفع افسد به فاسد: حضرت خضر به حضرت موسی گفت: آن کشتی متعلق به چند یتیم است، آن را معیوب کردم زیرا پادشاهی در کمین بود که کشتی های سالم را غصب می کرد. (کهف/۷۹)

یکی از نکاتی که مدیران در طرح ها و برنامه ریزی ها و تصمیمات خود باید لحاظ کنند دفع افسد به فاسد و ترجیح اهم بر مهم است. (داشتن کشتی معیوب بهتر از نداشتن آن است.)

(۱۵) مدیریت مذاکرات: خداوند در مورد گفتگو و بحث با اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) بر بیان نقاط مشترک تاکید می کند و می فرماید: بگوئید ما به آنچه از سوی خدا بر ما و بر شما نازل شده، ایمان داریم و خدای ما و خدای شما یکی است. عنکبوت ۴۶ در مذاکرات، قبل از بیان نظرات خود، آنچه را که مورد اتفاق و قبول طرفین است مطرح شود تا فضای مذاکره آماده پذیرش آراء گردد.

(۱۶) قدرت و بصیرت: ابراهیم و اسحاق و یعقوب را یاد کن که دارای قدرت و بصیرت بودند. (ص/۴۵)

رهبران و مدیران باید دارای قدرت (برای انجام مسئولیت) و بصیرت (برای شناخت مسئولیت) باشند.

(۱۷) خطر جاسوسان: ای پیامبر! آیا منافقان را در اطراف خود نمی بینی؟ (حشر/۱۱)

مدیران باید توجه داشته باشند که همواره افرادی نقشه ها و طرح ها و استراتژی های سازمان را به گوش رقیبان می رسانند.

درست). در سازمانهای اسلامی همه افراد سازمان مثل اعضای یک پیکرند در نتیجه تخریب یک فرد به مثابه تخریب سازمان است. در یک بدن، همه اعضا باید با هم رشد کنند لذا باید امکان رشد سازمانی برای همه افراد فراهم باشد و تلاش مدیریت عالی سازمان بر ارتقای کیفی همه افراد معطوف گردد.

(۴) حذف دو چهره گان: منافقان به هنگام روز در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله می گفتند: هر چه شما بگوئید درست است! ولی هنگامی که از نزد پیامبر می رفتند برخلاف گفته های او عمل می کردند. خداوند می فرماید: ای پیامبر از ایشان اعراض کن. (نساء/۸۱)؛ افراد دو چهره باید از تشکیلات سازمان حذف شوند و یا لااقل در پست های کلیدی قرار نگیرند.

(۵) فساد اداری: بسیاری از مدعیان ایمان را می بینی که در گناه و ظلم و حرام خواری شتاب می کنند. (مائده/۶۲)

فساد اداری (سُحت) از فساد اجتماعی (عدوان) و فساد اخلاقی (اثم) خطرناک تر و بدتر است. لذا اولین گام در راستای اصلاح سازمان ها، تغییر در رویه ها و فرآیندهای سازمانی جهت از بین رفتن فساد اداری است.

(۶) شفاف سازی روش مدیریت: ای پیامبر به مردم بگو: من ادعا نمی کنم که گنجینه های خداوند نزد من است و غیب می دانم و ادعا نمی کنم که من فرشته ام، بلکه من آنچه را که به من وحی می شود پیروی می کنم. (انعام/۵۰)

اهداف و شیوه کار مدیر باید صریح و روشن بیان شود. مدیران باید همچون دیگران در زندگی شخصی از امکانات عمومی استفاده کنند و استفاده از امکانات ویژه صحیح نمی باشد.

(۷) مدیریت اقتضایی: اکنون خداوند در امر جهاد به شما تخفیف داد. (انفال/۶۶)

در مدیریت، گاهی باید به دلیل تغییر شرایط و اقتضائات، آیین نامه ها تغییر کند و این امر با قطعیت در مدیریت منافاتی ندارد.

(۸) گروه گرایی، برتری بر اساس لیاقت: برادران یوسف گفتند: یوسف و برادرش بنیامین نزد پدرمان از ما محبوب ترند، در حالیکه ما گروهی نیرومند هستیم. (یوسف/۸)؛ تبعیض با تفاوت یکسان نیست. تبعیض، برتری دادن بدون دلیل است و تفاوت، برتری بر اساس لیاقت. لذا برتری دادن افراد بر اساس لیاقتهایشان در رده های مدیریتی، اصلی معقول و تأیید شده است. گروه گرایی، اگر بدون رهبری صحیح باشد و جهت گیری منفی و مخرب پیدا کند باید شدیداً کنترل شود، زیرا عوامل سقوط را سریعتر فراهم می کند (برادران حضرت یوسف (ع) به همین دلیل دچار انحراف شدند و هنگامی که تحت نظارت و هدایت یوسف (ع) قرار گرفتند از اشتباهات خود بازگشتند.)

(۹) توانایی رشد: و اینگونه یوسف (ع) را در زمین قدرت بخشیدیم. (یوسف/۲۱)

هیچگاه نباید زیردستان را دست کم گرفت، چون ممکن است توانایی رشد و طی مدارج عالی را داشته باشند. (یوسف (ع) برده پادشاه شد)

(۱۰) مدیریت بحران برنامه ریزی استراتژیک: یوسف گفت: هفت سال پی در پی کشت کنید و آنچه را درو کردید جز اندکی را که می خورید در خوشه اش کنار بگذارید. (یوسف/۴۷)

ایجاد تحول مطلوب در اندیشه و باور و رفتار و اخلاق جامعه و دنیای تیره و تاریک آن‌ها برانگیخت. آری، او از خود آنان، از تیره و تبار آنان، از نژاد و منطقه آنان و از جامعه و مردم آن سامان بود. می‌توان از این آیه این نکته را برداشت نمود که: نمایندگان منتخب برای هر منطقه و اقلیمی برخاسته از همان دیار باشد تا مردم حرف شنوی بیشتری داشته باشند و به فرمان‌ها به سهولت گردن نهند. اگر منطقه‌ای که ترک زبان یا کرد زبان است مسلماً مسئولین آنها می‌توانند از هم‌زبانی با مردم تحت حوزه مدیریت خود بهره ببرند. دومین ویژگی ممتاز برشمرده در این آیه برای پیامبر، صفت دلسوزی و حریص بودن پیامبر بر هدایت مردم است. یک مسئول باید نسبت به مردم دلسوز باشد و هدایت و ایمان و دین مردم برای او در اولویت قرار داشته باشد نه اینکه گمان کند فقط برای مباحث دنیوی نظیر مسائل اقتصادی و سیاسی و... گماشته شده است. بلکه علاوه بر توجه به وظیفه خود، برنامه‌هایش را بر الگوهای دینی، اخلاقی و اعتقادی بنا کند.

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ (آیه ۴)

این مقام والای رسالت و نبوت، بخشش خداست که آن را به هر کس که بخواهد و او را برای به دوش کشیدن بار گران این مسئولیت شایسته بنگرد، ارزانی می‌دارد.

نکوهشی تفکر انگیز از عالمان بی عمل: در ادامه آیات قرآن از دانایان و عالمان که بر اساس دانش و آگاهی خویش رفتار نکنند و حقوق خدا و خلق را پایمال سازند - در اشاره به آن گروه از یهود که عمل به رهنمودهای تورات را وانهاده بودند- می‌فرماید:

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا (آیه ۵)

وصف و حال آن کسانی که تورات بر آنان فرود آمد، اما آنگونه که شایسته بود حق آن را رعایت ننموده و به وظایف خویش عمل نکردند، همان وصف درازگوشی است که کتابهای دانش و حکمت را بر پشت خویش می‌کشند، اما نه آنها را مطالعه می‌کند و نه از مفاهیم آنها آگاه است و نه به آنها عمل می‌نماید و نه اصلاح می‌پذیرد. در توضیح این آیه می‌توان به افراد صاحب منصب و صاحب علمی اشاره کرد که از علم خود در جهت رفع نقایص جامعه و بهبود زندگی مردم و هدایت آنها استفاده نکردند و چه زیان آشکاری. آنان زمان و هزینه‌ای که صرف علم اندوزی کردند و می‌توانستند با خدمت بهتر به خلق الله به منصفی سوددهی برسانند، بیهوده و عاطل گذاشته و در قبال آن دریافت مثبت نداشتند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آیه ۹)

با توجه به این آیه یکی از بهترین زمانها و مکانها برای آگاهی بخشی به مردم در رساندن سخن از سوی رهبران و مدیران جامعه اسلامی، روز جمعه و تربیون نماز جمعه است که نباید مسئولین از این فرصت مناسب غافل شوند. در چه روزی آن هم هفته‌ای یکبار می‌توان چنین اجتماعی از مسلمین را گردهم آورد؟ بنابراین خطبه‌های نماز جمعه مخصوصاً دومین خطبه فرصت مناسبی برای سخن گفتن از طرف رهبر یا سخنرانی قبل از نماز برای مدیران و کارگزاران حکومتی می‌باشد. همچنین حضور ایشان در نماز جمعه علاوه بر فواید مذکور می‌تواند زمینه ملاقات مسئولین و

۱۸) عدم اعتماد سریع به افراد بد سابقه: هنگامی که پسران یعقوب از حضرت یعقوب خواستند که برادر یوسف (بنیامین) را همراهشان به مصر ببرند، یعقوب گفت: آیا شما او را مثل امانت نگاه خواهید داشت؟ (یوسف/۶۴)

مدیران باید در اعتماد به افراد، گذشته سوء آنها را مدنظر داشته باشند.

۱۹) ترفیع، شفاف سازی، وارستگی: و چون یوسف رشته قضاوت رسید، به او حکم (نبوت) و علم دادیم و اینگونه پادشاه نیکوکاران را می‌دهیم. (یوسف/۲۲)

ترفیع افراد باید در وقت خود صورت پذیرد. اگر زودتر باشد فرد صلاحیت لازم را ندارد و اگر دیرتر باشد انگیزش افراد کاهش می‌یابد. دلیل عزل و نصب‌ها را باید بیان کرد تا فضای رقابت در سازمان حاکم شود (خداوند دلیل نصب یوسف(ع) را نیکوکار بودن او شمرده است). تنها علم و توان برای مسئولیت‌پذیری کافی نیست، بلکه وارستگی و نیکوسیرتی نیز شرط است. (المحسنین)

ب. مؤلفه‌های رفتار سیاسی کارگزاران از نگاه صاحب تفسیر مجمع البیان
سوره واقعه:

در فضیلت تلاوت این سوره آمده است که: عثمان در آخرین روزهای زندگی به دیدار عبدالله ابن مسعود رفت که در شدت بیماری قرار داشت و به او گفت: می‌خواهی دستور دهم برایت طیب بیاورند؟ جواب داد: طیب من را بیمار کرده است. عثمان پرسید: اجازه نمی‌دهی تا دستور دهم حقوق را از بیت المال بپردازند؟ پاسخ داد: آن روز که نیازمند بود مرا محروم و حقوقم را قطع کردی، اینک امروز که نیاز به پول ندارم می‌خواهی دستور دهم بدهند!

از این مطلب برداشت می‌شود که کارگزاران باید به موقع نسبت به پرداخت حقوق مسلم رعیت اقدام ورزند چرا که گاهی اوقات و شاید گفت در بیشتر مواقع دیرکرد در پرداخت سودی به حال آنها ندارد و زمان طلایی گذشته است و دیگر قابل جبران نخواهد بود.
خَافِضَةُ الرَّافِعَةِ:

این رویداد تکان دهنده، گروهی را به ذلت می‌کشد و به کيفر کردار شان می‌رسند و گروهی به پادشاه عملکرد شایسته و درست اندیشی خویش به عزت و سرفرازی اوج می‌گیرند.

مفهوم روشن تر و کامل تر این است که: روز رستاخیز با رخ گشودنش گروهی از انسانها که عنوان های پر زرق و برقی چون ریاست، رهبری، قضاوت، وزارت، وکالت، قضاوت، فرماندهی و نظیر اینها را در دنیا یدک کشیده و دست به ستم و شقاوت یازیده اند، به ذلت و حقارت و آتش شعله‌ور دوزخ می‌کشند و در برابر آنان ستم‌دیدگان حق طلب و آزادمش و بشردوست که در فرهنگ آن شقاوت پیشگان و اصلاح ناپذیر آن بی مقدار، محکوم بودند، به عزت و سرفرازی اوج می‌بخشد و به بهشت پر نعمته خدا هدایت می‌کند. (۱۳)

سوره جمعه:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ (آیه ۲)

او همان خدایی است که در میان درس نخوانده ها و دانشگاه ندیده ها، پیام آوری بزرگ از خود آنان برای ارشاد و اندیشاندن آنان و

2. Amid, Hassan, 1381, Farhang Omid, Tehran, Amir Kabir Publications, 23rd edition, vol.2, 953.
3. Qorshi, Baqer Sharif, 1375, Governmental and administrative system in Islam, translated by Abbas Ali Soltani, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, vol. 1, second edition.
4. Emami, Mohammad Jaafar; Ashtiani, Mohammad Reza, B. Ta., descriptive translation and a compact commentary on Nahj al-Balagha, 5th edition, Qom, Hamad Press, vol.3, 451.
5. Ibn Abi al-Hadid, 1387 A.H., Commentary on Nahj al-Balagheh, Bija, Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
6. Abdeh, Muhammad, 1370, Commentary on Nahj al-Balagheh, Qom, Dar al-Zhakhar, vol. 1, 181.
7. Tabari, Muhammad bin Jarir, 1362, Tarikh Tabari, translated by: Abulqasem Payandeh. Tehran, Asatir Publishing House, second edition.
8. Ibn Abd al-Barr, Yusuf bin Abdallah. 1388, Jame Bayan Al Alam and Fazlah. Cairo: Islamic School.
9. Amini, Abdul Hossein, 1416 A.H., Al-Ghadir fi al-Kitab wal-Sunan Waladb, Qom, Al-Ghadir Center for Islamic Studies, first edition, vol.2.
10. Shushtari, Nurullah, 1377, Majlis al-Momenin, Tehran, Islamia Publications, vol.1, 236.
11. Mahmoudi, Mohammad Baqer, 1381, Nahj al-Saada fi Mostadrak Nahj al-Balagheh, Bija, Taba and Nash, first edition, 9 volumes.
12. Thaqfi Tehrani, Mohammad, 2018, Tafsir Rawan Javed, Tehran, Burhan Publications, third edition, vol.4.
13. Aroosi Hawizi, Ali bin Juma. 1382, Tafsir Nur al-Saghalin, vol. 2. Qom; Publications of the scientific field.
14. Rai, Massoud; Fallah Solukalai, Mohammad. Spring 2018, pathology of the behavior of government officials from the

مردم را فراهم آورد که آنها مشکلات مردم را شنیده و در جهت رفع آن اقدام نمایند.

سوره طارق: فَمَهَلَّ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُوَيْدًا (آیه ۱۷)

هان ای پیامبر! اینک که چنین است به این ظالمان و کفرگرایان مهلت ده و در نابودی آنان شتاب موز و به تدبیر خدا در کیفر آنان راضی باش و اندکی آنان را به حال خود واگذار.

دو اصل مترقی شکیبایی و مدارا در مدیریت جامعه:

قرآن کریم درس شکیبایی و مدارا و تحمل و پایداری قهرمانانه، نه تنها در برابر تنوع سلیقه ها و اندیشه ها و دیدگاه ها، که حتی در برابر بد اندیشی ها و مرگ اندیشی ها و شرارت ها را تا آنجایی که ممکن است به تابو می برد، و این دو اصل را از موفقیت و سازندگی می شمارد و رمز توفیق در اداره و اصلاح جامعه، درست به همین دلیل است که به پیشوای بزرگ توحید نه تنها تحمل و مدارا با درست اندیشان و کمال جویان و اندیشه ها و جریان های متنوع را می دهد که حتی به آن حضرت دستور می دهد با بد اندیشانی که او را به باد مسخره می گیرند تا آنجا که ممکن است با مهر و مدارا رفتار کند و به هر حال از مرز عدالت نگذرد.

نتیجه گیری

۱) قرآن کریم به جهت پرداختن به تمام ابعاد زندگی انسان، ارائه اصول و قواعد برای حاکمیت بهتر را فروگذار نکرده است و با بیان مثالهایی در قرآن ارائه طریق نموده است. نیز امامان معصوم (علیهم السلام) هم که قرآن ناطق هستند، به این موضوع پرداخته اند.

۲) امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) به عنوان بهترین جامعه شناس در مدت کوتاه اما موفق و پر بار حکومت عدل خویش، همواره طی ارسال نامههایی به کارگزاران حکومتش، به بهترین وجه به ارشاد ایشان، جهت ارتقاء آگاهی و بالا بردن سواد سیاسی شان توجه داشته اند.

۳) هرچه جامعه آگاهتر باشد مسئولین کارآمدتر انتخاب می کنند و تربیت یافتن صحیح دو گروه مردم و حکومتی آن در بعد سیاسی پیامدها و تأثیرات دو سویه دارد.

۴) کارگزاران باید سعی کنند کمتر مردم را موعظه نمایند و برای رفع مشکلات به صورت عملی وارد میدان شوند. لکن با ریل گذاری در سبک زندگی مردم و سرلوحه قراردادن اخلاق و منش شهدا، برنامه ها و وظایف خود را به طریق مطلوب اجرا نمایند. دولت باید در دانشگاهها به ایجاد رشتههایی بپردازد که به طور خاص به تربیت عنصرهای مسئول جهت به دست گیری کرسیهای حکومتی مبادرت ورزد. اینکه یک نفر یا چند نفر بیایند و مسئولیتی به عهده بگیرند بدون اینکه حتی آشنا با اصول و قواعد در زمینه سیاست باشند، با اهداف ایجاد دولت و حکومت صالح و کارآمد مغایرت دارد.

References

1. Dekhoda, Ali Akbar, 1380, Dekhoda dictionary, University of Tehran, first edition.

perspective of Islam. Islamic Government, 16th year, number 1 (59 consecutive), from pp. 111 to 140.

15. Salahshuri, Ahmed; Yadollahi Far, Mohammad Javad; Khonddar Tarsi, Masoumeh; Winter 2013, the foundations and components of political education from the perspective of Imam Khomeini (RA), Research Journal of the Islamic Revolution, second year, number 5, from pp. 111 to 126.

16. Amid Zanjani, Abbas Ali, 1387, Fundamentals of Islamic Political Thought, Tehran, Publisher: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization, 6th edition.